



آیت الله قاضی می گفت اگر بهشت نماز نداشته باشد به چه درد می خورد

دومین راه برای کسب محبت خدا، فکر کردن درباره صفات اوست و ثواب فراوانی که برای معرفت خدا و شناخت صفات خدا شده، به خاطر همین برکات آن است.

دومین راه برای کسب محبت خدا، فکر کردن درباره صفات اوست و ثواب فراوانی که برای معرفت خدا و شناخت صفات خدا شده، به خاطر همین برکات آن است.

خبرگزاری مهر- گروه دین و اندیشه: سبک زندگی به عنوان مجموعه به هم پیوسته ای از الگوهای رفتاری فردی و اجتماعی، برآمده از نظام معنایی متمایزی است که یک فرهنگ در یک جامعه انسانی ایجاد می کند؛ و از آن جایی که هیچکدام از جوامع بشری را نمی توان عاری از فرهنگ تصور کرد، بنابراین، می توان گفت تمام اجتماعات انسانی، از ابتدای تاریخ تا کنون دارای سبک زندگی خاص خود بوده و از الگوهای رفتاری متناسب با شاخص های فرهنگی خود برخوردار بوده اند.

پذیرش منفعلانه الگوهای رفتاری مبتنی بر فرهنگ غربی، برای جوامع مسلمان که خود در پرتو آموزه های اسلامی، توانایی تعریف و ترسیم سبک زندگی دینی و تبیین الگوهای متناسب با آن را دارند، شایسته نبوده و باید به اقتضای فرهنگ دینی خود، به سبک زندگی اسلامی روی آورند. به ویژه آنکه در چند دهه اخیر، ناکارآمدی تمدن سکولار غربی در پاسخ گویی به نیازهای چندبعدی انسان آشکار گردیده و رصد تحولات جاری در جهان نیز نشانه های افول و فرود این تمدن را نمایان ساخته است. بازخوانی آموزه های اسلام و ژرف اندیشی در آن، ظرفیت بالای این آموزه ها را برای فرهنگ سازی و ارائه الگوهای رفتاری مناسب نشان می دهد. قرآن که مهم ترین منبع آموزه های اسلامی به شمار می رود، سرشار از الگوهایی است که شیوه زیست مؤمنانه و مورد نظر اسلام را معرفی می کند؛ و در پرتو آیات آن، سیره پیامبر گرامی اسلام (نیز) به عنوان اسوه و نمونه عالی زندگی به تمام مسلمانان معرفی شده است.

یکی از مطالبی که بارها بحث مفصلی درباره اش انجام گرفته، قرب الهی و راه رسیدن به آن است که با استفاده از آیات و روایات و با استمداد از بحث های عقلی به این نتیجه می رسیم که تنها راه رسیدن به قرب الهی عبادت خداست. آنچه پیش رو دارید گزیده ای از سخنان حضرت آیت الله مصباح یزدی در دفتر مقام معظم رهبری است که در تاریخ ۱۳۹۲/۰۹/۲۷، مطابق با پانزدهم صفر ۱۴۳۵ است پیرامون این موضوعات ارائه کرده اند. قسمت پنجم این سلسله مطالب تقدیم نگاهتان می شود:

گفتیم برای انگیزه کسب محبت خدا، ابتدا باید ارزش این فضیلت را بشناسیم. از آن جا که بهترین راه برای شناخت این فضیلت، کلمات کسانی است که خود بالاترین مرتبه از آن را داشته اند، ابتدا روایتی در اهمیت محبت خدا قرائت می کنیم.

از امام سجاد صلوات الله علیه نقل شده که فرمودند: إذا صار أهل الجنة في الجنة و دخل ولی الله إلی جناته و مساکنه و اتکأ کل مؤمن علی أریکته حفته خداه؛ [۱] هنگامی که مؤمنان وارد بهشت می شوند و در آن استقرار پیدا می کنند و نعمت های خدا سرازیر می شود و باغ ها و قصرهایی که برای هر مؤمنی مهیا شده، در اختیارش می گذارند و بر آریکه خودش تکیه می دهد، تعداد بسیاری از فرشتگان به عنوان خدمت گذار در اختیارش قرار می گیرند و اطرافش حلقه می زنند. تهدلت علیه الثمار و تفجرت حوله العیون و جرت من تحتها الانهار؛ میوه ها در مقابلش سر فرود می آورند، و چشمه ها از اطرافش می جوشند، و زیر تختش نهرهای آب جاری می شود. و بسطت له الزرابی و صققت له النمارق و اتته الخدام بما شئت شهوته من قبل ان یسئلهم؛ و همچنین فرش های بهشتی که از زیباترین فرش هاست زیر پایش گسترده می شوند و بالش ها و مخده ها برای تکیه دادنش گذاشته می شود و همین که میل چیزی در دلش پیدا شود فرشتگان برایش فراهم می کنند. و یخرج علیهم الحور العین من الجنان فیمکتون بذلک ماشاالله؛ تا هر زمانی که بخواهد همسران بهشتی نیز در اختیارش قرار می گیرند.

وقتی همه این نعمت ها فراهم شد و کاملاً استقرار پیدا کرد، خداوند متعال با آن ها چنین سخن می گوید: ای دوستان من! ای اهل طاعت من! ای کسانی که در همسایگی من زندگی می کنید! الا هل انبئکم بخیر مما انتم فیه؟ می خواهید به شما بگویم چه بهتر از این چیزهایی است که شما دارید؟ آن ها در پاسخ می گویند: خدایا چه چیزی بهتر از این است که ما داریم؟! نحن فیما اشتہت انفسنا و لذت اعیننا من النعم فی جوار الکریم؛ ما این جا در جوار کریم، هرچه دلمان بخواهد، فراهم و هرچه چشم مان را خوش آید، آماده است. دیگر از این بهتر چه می شود؟! فیعود علیهم بالقول؛ خداوند بار دیگر می فرماید: آیا می خواهید بگویم چه بهتر از این هایی است که دارید؟ دیگر خلاف ادب است که بگویند نمی خواهیم و بهتر از این نمی شود. فیقولون ربنا نعم. فیقول لهم تبارک و تعالی رضای منکم و محبتی لکم خیر و اعظم مما انتم فیه؛ خداوند پاسخ می فرماید: رضای من از شما و محبت من به شما، بهتر از همه این چیزهایی است که دارید. فیقولون نعم یا ربنا رضاک عنا و محبتک لنا خیر لنا و اطیب لانفسنا؛ مؤمنان نیز

تصدیق می کنند که رضایت خدا برای آن ها از همه چیز خوش تر است. در ادامه روایت، حضرت سجاد علیه السلام آیه ۷۲ از سوره توبه را تلاوت می فرمایند که در آن ابتدا نعمت های بهشتی نام برده می شود و سپس می فرماید: **وَرِضْوَانًا مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ.**

این روایات به ما می فهماند که نعمت هایی وجود دارد که فراتر از نعمت های محسوس است و مؤمنان پس از دریافت همه نعمت ها، وقتی احساس می کنند که خداوند دوستشان دارد و از آن ها راضی است، لذتی می برند که از لذت ناشی از همه آن نعمت ها بالاتر است. بنابراین نباید همت خودمان را به امور مادی و نعمت های دنیوی و چیزهایی که با بدن سروکار دارد و با حواس ما درک می شود، محدود کنیم.

آیت الله بهجت و لذت نماز

یکی از دوستان، از مرحوم آیت الله بهجت نقل می کرد که شبی ایشان بعد از نماز فرمودند: اگر سلاطین عالم می دانستند نماز چه لذتی دارد، حاضر بودند دست از سلطنتشان بکشند، تا لذت نماز را درک کنند. این مطالب برای ما قابل فهم نیست. ما هنگام نماز، خودمان را در قفسی محبوس می بینیم که منتظریم از آن رها شویم، اما از آن جا که آیت الله بهجت گزافه گو نبود، و انسان تا این لذت را خودش نچشیده باشد، نمی تواند چنین سخنی بگوید، روشن می شود چنین لذت هایی وجود دارد. استاد ایشان (مرحوم قاضی رضوان الله علیه) در پاسخ به پرسشی درباره وجود نماز در بهشت، فرموده بود: اگر بهشت نماز نداشته باشد به چه دردی می خورد؟! او علاوه بر لذتی که در دنیا از نماز می برد، آرزویش این است که در بهشت نیز بتواند نماز بخواند. او از نماز لذتی می برد که به عقل ما نمی رسد. درست است که نمی فهمیم آن لذت چیست، ولی باید بدانیم که چنین چیزهایی هست. ان شاءالله به برکت گوینده این روایت و نورانیت آن، دل های ما نیز این آمادگی را پیدا کند که طالب چنین محبتی بشویم؛ محبتی که این همه ارزش دارد و همه لذت های دنیا در مقابل آن رنگ می بازد.

آثار اندیشیدن در نعمت های بی شمار الهی

گفتم ساده ترین راه برای کسب محبت خدا اندیشیدن درباره نعمت های خداست. وقتی انسان ببیند که کسی بدون چشم داشت به او خدمتی می کند، آن هم خدمتی که با خدمات دیگران قابل مقایسه نیست، به طور فطری او را دوست می دارد. برای فهم بهتر این مطلب، خوب است در خلوت خاطره ای از کسی که در موقع نیاز خدمت بزرگی به ما کرده، به یاد بیاوریم. انسان همیشه در فرصت های مختلف از این خدمت یاد می کند. حال نعمت های الهی را با خدمات دیگران مقایسه کنیم که در هر لحظه به هر فرد چقدر نعمت می دهد که تا آخر عمر نمی تواند آن را حساب کند؛ **وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا**. [۲] چند سال پیش مقام معظم رهبری در جلسه با کارگزاران کشور درباره شکر خدا صحبت می کردند. ایشان می فرمودند من یک درد همیشگی در دست راستم دارم که دکترها بعد از مدت ها معالجه گفته اند که چند رشته عصبی که هر رشته از میلیون ها سلول عصبی تشکیل شده است، به هم مربوط است که باید با هم کار کنند تا انسان بتواند یکی از انگشتانش را حرکت بدهد؛ از مغز تا سرانگشتان چند سلسله اعصاب است که عمل کرد هر یک آن ها متوقف بر سلسله دیگری است و هر کدام، از میلیون ها سلول زنده تشکیل شده است و همه باید همکاری کنند تا انسان بتواند یکی از انگشتانش را حرکت بدهد! ما هر لحظه هر طور بخواهیم رفتار می کنیم و همه این اندام ها در اختیار ماست، ولی هیچ گاه حساب نمی کنیم که چقدر نعمت جمع شده تا بتوانیم یک کلمه حرف بزنیم یا یک جرعه آب بنوشیم. همه این نعمت ها از خداست و هرچه بیشتر آن ها را بشناسیم و درباره آن ها فکر کنیم، به بخشنده آن ها بیشتر محبت پیدا می کنیم، اما این محبت ذاتاً به لذتی که از نعمت پیدا می شود، تعلق می گیرد.

در تحلیل عقلانی این محبت به این نتیجه می رسیم که انسان در واقع نعمت را دوست دارد و مُنعم را بالعرض دوست می دارد. اگرچه همین محبت نسبت به عبادت هایی که از روی ترس عذاب یا امید به نعمت های بهشتی انجام می گیرد [۳]، هم بسیار ارزش مند است، اما کسانی هستند که خدا را به خاطر خودش دوست دارند؛ البته خود این محبت نیز مراتب دارد. گاهی می گوئیم کسی را دوست داریم اما در حقیقت صفات او را دوست می داریم، اما کسانی هستند که محبتشان به ذات الهی تعلق می گیرد و از آن به دیگران سرایت می کند. این همان محبتی است که ابتدا به وجود مقدس پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله سرایت می کند و سپس به ائمه اطهار و وجود مقدس ولی عصر ارواحنا فداه و بعد از آن به دوستانشان سرایت می کند. محبت ما از مخلوقات شروع می شد و به خدا می رسید، اما کسانی هستند که خداوند محبت خودش را در دل آنها می اندازد و به یک معنا جمال و جلال خودش را به آنها نشان می دهد.

کسب محبت از راه توجه به صفات

اگر ما بخواهیم از آن مرتبه پایین محبت که بالذات به نعمت ها تعلق می گرفت، بالاتر بیاییم، باید به دنبال محبتی باشیم که به

صفات خدا تعلق می‌گیرد. فطرت انسان به گونه‌ای است که در دل با موجودی که دارای کمالاتی است، احساس دل‌بستگی می‌کند ولو این که هیچ‌گاه او را ندیده باشد و حتی امیدی برای دیدن او نداشته باشد. مثلاً همه ما حاتم طائی را دوست داریم و از او تعریف می‌کنیم، با این که هیچ‌کدام او را ندیده‌ایم و همچنین انتظاری نیز نداریم که چیزی از بخشش‌هایش نصیب ما شود. در این محبت در واقع صفت سخاوت را دوست داریم و با این که از بخشش‌های حاتم چیزی به ما نمی‌رسد، ولی احساس می‌کنیم، چنین کسی را دوست داریم. این قضیه درباره افراد فداکار و قهرمان‌های ملی که کارهای فوق‌العاده و خدمات بزرگی داشته‌اند نیز صادق است. ما انسان‌ها نسبت به این‌گونه افراد احساس محبت می‌کنیم، با این که چیزی از آن‌ها به ما نمی‌رسد. نظیر این کار را درباره خداوند نیز می‌توانیم انجام بدهیم. برای این کار باید بکوشیم صفات خدا را بیشتر بشناسیم.

آیات قرآن و توجه دادن به صفات الهی

یکی از راه‌هایی که قرآن برای تربیت انسان‌ها به کار برده است، نام بردن و تکرار اوصاف خداست. در بسیاری از آیات اوصاف الهی وجود دارد و برخی از آیات نیز همه، صفت خداست. [۴] اگر مقداری در یکایک این صفات دقت کنیم و آثار آن‌ها را با صفات دیگری که اشخاص با کمال دارند، مقایسه کنیم، پی به دوست داشتنی بودن این صفات می‌بریم. یکی از صفات‌های خداوند که ما بهتر می‌توانیم با آن ارتباط برقرار کنیم و امیدواریم در همین دنیا و نهایتاً در عالم ابدی همیشه از آن استفاده کنیم، صفت غفاریت خداست؛ *قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ* [۵] این صفت چقدر عظمت دارد! عمری انسان با گناه، نافرمانی، غفلت، بی‌اعتنایی، جهالت و حتی جسارت و بی‌ادبی نسبت به خدا رفتار کرده است. خداوند ده‌ها سال به او مهلت داده است، اما باز هم می‌گوید اگر توبه کنی همه را می‌بخشم. در روز قیامت خداوند نمی‌گذارد، کس دیگری از گناهان توبه‌کننده با خبر شود و حتی آن‌ها را از ذهن فرشتگان نیز محو می‌کند. حتی در برخی از روایات آمده است که پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله از خداوند درخواست کرد که خدایا در روز قیامت حساب‌ام‌تم را به کس دیگری غیر از من واگذار نکن تا فرشتگان از گناهان آن‌ها آگاه نشوند. خدای متعال فرمود وقتی من آن‌ها را ببخشم دیگر شما نیز از گناهانشان آگاه نخواهی شد.

آیا جا ندارد که انسان یک عمر درباره این روایت فکر کند و زیبایی این صفت غفاریت الهی را تجسم کند؟! آیا چنین خدایی دوست داشتنی نیست؟! روشن است که این صفت دوست داشتنی است و فطرت انسان چنین موجودی را در حد پرستش دوست می‌دارد. هرچه درباره صفات خدا به خصوص آن‌هایی که اثرش برای ما محسوس‌تر است بیشتر بیاندیشیم، بیشتر خدا را دوست می‌داریم. این محبت در واقع به صفات خدا تعلق می‌گیرد، اما از آن‌جا که صفات خدا عین ذاتش [۶] است، با محبتی که نسبت به انسان‌ها به واسطه صفاتشان داریم، تفاوت دارد.

از این نوع محبت، برخی محبت‌های مقدس را می‌توان نام برد که نسبت به اشخاص تعلق می‌گیرد. کسانی هستند که نهایت آرزویشان این است که یک بار مقام معظم رهبری را ببینند. این عشق برای ما افسانه است، اما بارها نمونه‌هایش را دیده‌ایم. اشخاصی را می‌شناسیم که عمری آرزویشان این بوده و همین که چشمشان به جمال ایشان افتاده، دگرگون شده‌اند، با این که چیزی از ایشان نمی‌خواهند و حتی وقتی از آن‌ها می‌پرسند که وقتی خدمت ایشان رسیدی، از ایشان چه می‌خواهی، پاسخ می‌دهند که به هرچه می‌خواستم رسیدم؛ می‌خواستم ایشان را ببینم، که دیدم و چیز دیگری نمی‌خواهم. گاهی درباره عاشقان امام زمان عج‌الله‌تعالی فرجه نیز داستان‌هایی می‌شنویم که برای گرفتن چیزی نمی‌خواهند خدمت ایشان برسند. نمی‌خواهند که از خدا بخواهد حاجت‌شان را روا کند و ایشان را ابراری برای رسیدن به خواسته‌شان قرار بدهند. این حرف‌ها مطرح نیست. می‌گویند: اصلاً من باشم یا نباشم، سر و جانم فدای او! بابی انتم وامی و نفسی و اهلی و مالی و...

بنابراین می‌توان، ندیده کسی را به خاطر کمالاتش دوست داشت. برخی می‌گویند فلانی را دیدیم و با یک نظر عاشقش شدیم. این عشق خیلی عجیب نیست. بالاخره یک نظر او را دیده و عاشق شده است. اما در فطرت انسان چنین چیزی وجود دارد که اگر کمالی را در کسی به خوبی درک کند، او را دوست خواهد داشت حتی اگر او را ندیده باشد، و نهایت آرزویش نیز این است که به او برسد. نتیجه اینکه دومین راه برای کسب محبت خدا، فکر کردن درباره صفات اوست و ثواب فراوانی که برای معرفت خدا و شناخت صفات خدا شده، به خاطر همین برکات آن است. برخی خیال می‌کنند که تحصیل علم دینی فقط همین یاد گرفتن مسائل شرعی و امثال آن است، اما در روایات تصریح شده که هیچ نعمتی در عالم بالاتر از نعمت شناخت خدای متعال نیست.

[۱]. تفسیر العیاشی، ج ۲۸؛ ۲۱۳، ص ۹۶.

[۲]. ابراهیم، ۳۴.

[۳]. در حقیقت در این گونه از عبادت، عبادت به همان نعمت بهشتی تعلق می‌گیرد و عبادت خدا بالعرض است.

[۴] . حشر، ۲۲-۲۴.

[۵] . زمر، ۵۳.

[۶] . یکی از صفات سلبیه خداوند که همه ما باید به آن معتقد باشیم، این است که صفات خدا همانند صفات انسان نیست که زائد بر ذات اوست. صفات ذاتی خدا که عین ذات اوست و صفات فعلی او نیز به صفات ذاتی اش برمی گردد.